

## افتخار بر حزب بزرگ کمونیست چین

تهنیت نامه سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بنامیت پنجاه و دومین سالگرد آن حزب

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین  
رفقای عزیز

روزاول ژوئیه برای همه احزاب و سازمان های مارکسیستی - لنینیستی روز فرخنده ای است زیرا که در اول ژوئیه ۱۹۲۱ حزبی درخاورد و قدم بر عرصه نهاد که توانست برهبری پیشوای بزرگ و ااهی خود رفیق مائوتسه و خلق کبیر چین را در زبیر بر علیه امپریالیسم و ارتجاع مسیح کند و در طی جنگ تود های طولانی حماسه آفرین به پیروزی برساند ، جمهوری تود های چین را بنیاد نهاد و آن را با استقرار دیکتاتوری پرولتاریا به دست تسخیر - ناپذیر صلح و سوسیالیسم تبدیل کرد اند گنجینه مارکسیسم - لنینیسم را با اندیشه مائوتسه و غنی تر سازد و مرحله عالی تری ارتقا دهد در رنبر عظیم تاریخی بر علیه ریزینویسم معاصر سهم درخشانی ایفا کند ، ساختمان سوسیالیسم در جمهوری تود های چین را با عهد شکنی و خرابکاری ریزینویست های شوروی طرفمند انه به پیشبرد و از چین کهن چین نو و شکوفان بسازد ، پرچم در مبارزه بر علیه سادات امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم و مدافع مطنش و یابید اخلق های شیفته آزادی باشد ، با تاریخ تابناک خود و با سر مشق جمهوری تود های چین به خلق های جهان الهام و نیرو بخشد ، با عملی ساختن انقلاب کبیر فرهنگی پر لرتری بتحکم دیکتاتوری پرولتاریا و مسدود ساختن راه اعاده سرمایه داری در چین دست بزند و در زمان تازه ای در برابر بشریت در ادامه انقلاب سوسیالیستی بگشاید ، جمهوری تود های چین را در اثر قدرت مادی و معنوی و احراز حیثیت عظیم در میان خلق ها و کشورهای جهان ، بمقامی برساند که هیچ مسئله مهم بین المللی بدون شرکت وی قابل حل نباشد و این موقعیت را بسود رهسائی خلق ها و طبقات زخمکش جهان ، بسود صلح و سوسیالیسم مورد استفاده قرار دهد .

بیجهت نیست که سوسیال امپریالیست های شوروی در سازش با امپریالیست های امریکائی منفرد ساختن جمهوری تود های چین و اجرای هرگونه فتنه انگیزی بر علیه وی را هدف خویش ساخته اند ، و نیز بیجهت نیست که گلیه خلق های جهان دفاع از جمهوری تود های چین را دفاع از انقلاب جهانی و وظیفه انترناسیونالیستی خویش می شمارند .

خلق های ایران در ریگارد شوارخویش بر علیه ارتجاع و امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم از آموزش های تاریخی حزب کمونیست چین و اندیشه پیروزر رفیق مائوتسه و دین ، آموزش پرولتاریا و زخمکشان جهان ، الهام میگیرند . ما بنا مخلق های ایران پنجاه و دومین سالگرد حزب پر افتخار کمونیست چین را بشما صمیمانه شاد باش میگوئیم و پیروزی های روز افزونی برای حزب کمونیست چین و خلق چین آرزو مندیم .

افتخار بر حزب کبیر کمونیست چین .  
زنده باد رفیق مائوتسه و دین رهبر و آموزگار پرولتاریا و خلق های جهان .  
جاودان باد آموزش مارکس ، انگلس ، لینن ، استالین و مائوتسه و دین .  
استوار باد انترناسیونالیسم پر لرتری .

سنت مرکزی  
سازمان مارکسیستی توفان

### خیانتی بزرگ تو از گذشته در مسئله نفت

لاف و کزافی درباره قرار آید جدید ایران و کسرسیوم ( مورخ ۳ خرداد ماه ) چندان زیاد است که تو گوئی میخواهند از اعجاز قرن بیستم بر دبر آردند ، و معدنك بر نمید آردند . حکومت ایران اصراری دارد که قرار آید از بدنه مردم پنهان بماند و متن آن را تا این تاریخ منتشر نکرد است . زیرا که ماهیت امر جزید دیگری جز تمدید تسلیم پنهان نفت بانحصار های امپریالیستی نیست . قبل از هر چیزی باید بخاطر داشت که موسسات نفتی ایران برخلاف برخی از کشورهای دیگر تماما متعلق بایران است . دولت ایران در سال ۱۳۳۳ که قرار آید با کسرسیوم منعقد ساختن فقط از شرکت نفت انگلیس و ایران حساب غارت های چند ده ساله راخواست بلکه مبالغ عظیمی بنام " غرامت " باورد اخت : شرکت نفت انگلیس و ایران ۱۱ میلیون لیره بستانکاری ایران را بحساب خسارت خود نوشت ، از سال ۱۹۵۶ تا ۱۰ سال سالیانه ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار لیره خسارت از دولت ایران گرفت ( جمعا ۲۵ میلیون لیره ) ، ۶۷ میلیون لیره بابت خسارت تاسیسات و وسائل فرسوده نشده خود دریافت داشت ( بگذریم از اینکه ۲۱۴ میلیون لیره نیز بابت " سرقتی " نفت ایران از سایر اعضا کسرسیوم ستاند ) ( اطلاعات ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۰ ) و از آن بعد یعنی در روزگار کسرسیوم هرگونه مخابراتی که در موسسات نفت صورت گرفته - مانند خرید ماشین های جدید و ساختن بنادر و اسکله ها و غیره - همگی از پول دولت ایران برداشت شده است . پس کسرسیوم در موسسات نفت ایران صد دینار هم سرمایه گذاری ندارد تا امروز شاه ایران ادعا کند که سرمایه او ناخنک زده است . دولت ایران مدعی است که " از این پس بجای کسرسیوم ، دولت ایران تصمیم میگیرد که از حوزه کسرسیوم چه مقدار نفت تولید کند " ولی این فقط ظاهر امر است . دولت ایران هم اکنون " تصمیم گرفته است " که تولید نفت در حوزه مذکور در سال های آینده به بیش از دو برابر مقدار کنونی افزایش یابد و به ۵۰۰ میلیون تن برسد . این تصمیم چیز دیگری جز تصمیم انحصار های نفتی نیست . در واقع اتخاذ تصمیم در نهان با آنهاست و اعلام تصمیم با محمد رضاشاه . امروز بر همه روشن است که نیاز جهان امپریالیسم به نفت کشورهای اوک روز افزون است و با وضع دشواری که در اثر مقاومت برخی از دولت های خاور میانه و افریقا برای انحصار های نفتی پیش آمده تا این جریان منظم نفت برای آنها اهمیت درجه اول یافته است . و اینک دولت و دولتی که این جریان را در طی سالهای متعادی تضمین میکنند دولت های ایران و سرستان سمورک اند . معاون وزارت نفت لیبی صریحا اظهار داشته است که لیبی در هیچ حالی به راه خلی شبه آنکه ایران برگزیده نزدیک نخواهد شد . " ما هیچ وجه باضا " قرار آید هائی که در از " ملی شدن نفت تحویل نفت را بگمانی ها برای مدت طولانی تا این گند تن نخواهیم داد زیرا که این امر نه فقط باعث رهایی مائیت شود بلکه همان سیستم سابق را به شکل جدید ادامه میدهد " ( لوموند ۱۶ مه ۱۹۷۳ ) روزنامه لوموند که وابسته بوزارت خارجه دولتی است که از طریق " شرکت نفت فرانسه " در کسرسیوم سهم دارد درباره قرار آید جدید شاه و کسرسیوم مینویسد : " در زمانی که مسئله تا این نفت و گاز صورت یکی از خطیرترین مسائل دنیای غربید آمده است و مطالبات کشورهای تولید کننده روز بروز سنگین تر میشود . . . شرکت های کسرسیوم چنان منبع مطنش و فراوانی مانند منبع نفت ایران را بعدت بیست سال برای خود تا این کرده اند . . . " ( ۱۰ مه ۲۵ ) این گفتار لوموند فریاد پیروزی است که از گلو انحصار های نفتی بیرون میآید . دولت ایران باز هم مدعی است که از این پس همه نفت تولید شده در اختیار خواهد بود . ولی چنین نیست . وقتی که دولت ایران در قرار آید تصریح میکند که شرکت های عضو کسرسیوم در خرید نفت اولویت دارند معنایش جز آن نمیتواند باشد که دولت ایران مجبور است نفت را باین شرکت ها بفروشد . جمله بندی تفاوت کرده و مضمون بحال خود باقی است . بقیه در صفحه ۲

### در عرصه پیکار

هنوز خون شهیدان دوگانه کرد که روز ۲۷ فروردین در سنج تیرباران شدند نشکیده است که سحرگاه ششم خرداد ماه هشت تن دیگر از فرزندان شریف خلق ایران در راهواز آماج گلوله های محمد رضاشاه گشتند . محمد رضاشاه در هالگی خرد خونین را با ریختن در مدتی کمتر از یک ماه ونیم ده تن از جوانان مبین پرست ایران به جلا سپرده شدند . با این اعدام ها تعداد تیرباران شدگان رژیم کودتا در طی دو سال اخیر به ۱۲۰ نفر رسید . ضحاک معاصر ایران در این مدت هر هفته بیش از یک نفر را بدست تیرباران سپرده است . روزنامه " کلاسه " ارگان حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست بلژیک بدستی محمد رضاشاه را " درخیم کم نظیر در مقیاس جهانی " نامیده است . از همان بیدار گاهی که هشت تن بیدان اعدام فرستاده شدند چهارتن نیز برای گذراندن حبس ابد روانه سیاهچال های سازمان امنیت گردیدند . هفت تن دیگر از مبارزان ایران هم در چند روز آینده ( ۱۶ خرداد ) بداد گاه های آدم کش نظامی کشاند خواهند شد . تعداد دستگیر شدگان اخیر در فارس و سایر نقاط را نیز در نظر بگیرد تا معلوم کرد که " جزیره " نبات " محمد رضاشاه در چار چه تلاطمی است و محمد رضاشاه بجهت ترسی از خلق و به چه حرصی برای خونخواری در چار آمده است . هنوز یک هفته از تیرباران هشت تن فرزندان دلیر خلق ایران نگذشته بود که کتل ها و کینز ، عضو هیئت نظامی مستشاران امریکائی در ایران و از جنایتکاران وابسته به سیا صبح روز شنبه ۱۲ خرداد با گلوله و دوزخ دلیر ایرانی از پای درآمد . قتل کتل ها و کینز آشکار کننده ماهیت مبارزه مقدسی است که در مبین مامیگردد ، نشان دهند و چهره درخشان جوانانی است که رژیم ایران آنها را " خرابکار " مینامد . قتل کتل ها و کینز با بیان فصیح بجهانبان اعلام میدارد که پیکار خلق ایران بر علیه امپریالیسم و سرکرد آن امپریالیسم امریکا و بر علیه حکومت دست نشاند " محمد رضاشاه " است ، پیکار خلق ایران پیکار مقدسی است که با هیچ دریای خون فرو نخواهد نشست . یاد شهیدان را گرامی بدریم ! درود پر شور بفرستد انبان سیاسی ! دست جلا از جان فرزندان ایران کوتاه !

### ژاندار می با سردوشی آمریکائی

اظهارات اخیر سناتور فولبرایت رئیس کمیته روابط بیخارجی سنای امریکا سخت در محیط سیاسی ایران صد آکرد . اظهارات مذکور بسیار بقیه نبود . از وقتی که منافق امپریالیسم امریکا در رفت خاور میانه بخطر افتاد نمایندگان وی خلق های عرب را آشکار و پنهان بداخله مسلحانه تهدید کردند و سفارت امریکا در لبنان رهبری حمله راهزنانه " چتر بازان اسرائیلی را بر بیروت و قرارگاه صیدون برعهده گرفت . پس سخنان سناتور فولبرایت چیز دیگری جز بیان روش تجاویز کارانه " شناخته شده " امپریالیسم امریکا نبود . ولی آنچه تازگی داشت یادی از نقش ایران در کنار اسرائیل بشابه " و خواجه تاش بود . وی گفت : " وابستگی روز افزون امریکا بنفت خاور میانه ممکن است امریکارا واد ارباشغال کشورهای عرب تولید کننده نفت بقدرت زور کند . . . امریکاحتی شاید لازم نباشد شخصا وارد عمل شود و تحقق این عمل را برعهده " قائم مقام های موثر نظامی خود در منطقه ، چون اسرائیل و ایران ، واگذارد " این صراحت بیشرمانه از نماینده " امپریالیسم امریکا که گرفتار غرور سیادت طلایی جهانی است شکفت انگیز نیست ولی برای اسرائیل و بخصوص برای ایران رسواکننده است . نماینده امپریالیسم امریکا آشکارا اظهار میدارد که بداخله نظامی امریکا در کشورهای استقلال طلب عرب کاملا محتفل است و این امر نه مستقما بوسیله خود او بلکه با واسطه گماشتگان و مباحثران او مانند اسرائیل و ایران عملی خواهد شد ، چنانکه در بیورش اسرائیل بر ممالک عربی در سال ۱۹۶۷ عملی شد . بقول عشقی : " دست دست یاسی و پای خرد " بدیجی است که اظهارات فولبرایت شاه ایران را در موضع فضیحت باری قرار آید . روزنامه ها ماموریت یافتند که اولامقام فولبرایت را در سلسله مراتب دستگاه حکومتی امریکا نازل و شخص او را اعتبار جلوه دهند و ثابا معنا و مضمون سخنان او را در گورد و خاک غلیظی از لاف و کزافی بیوشانند . اطلاعات نوشت که فولبرایت - رئیس کمیته روابط بیخارجی سنای امریکا - " در عالم خیال پردازی در چارافسون شده " است و مدعی شد که " ناظران تهران در تگدیب " قوی " این اظهارات موهوم با بوزخند سؤال میکنند از چه زمانی تاکنون جناب فولبرایت بقیه در صفحه ۲

## گرامی باد یاد تیرباران شدگان و همه شهیدان !

### بسیج بر ضد دیکتاتوری فرانکو

چنانکه توفان در شماره ۳۳ خرداد دو سال پیش به ابتکار حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست اسپانیا کمیته هم آهنگی برای تشکیل جبهه انقلابی ضد فاشیستی و مبین بر - ستانه اسپانیا مرکب از عده‌ای از احزاب و سازمانهای دموکراتیک بر اساس شش ماده بوجود آمد. اینک حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست اسپانیا در سند جدیدی در تشریح هدفهای کمیته هم آهنگی چنین گفته است:

"کمیته‌های هم آهنگی از آغاز تاسیس سه وظیفه در برابر خویش نهادند و عبارت دیگر سه جهت حمله در جبهه مبارزه بران رهائی اسپانیا تعقیب کردند.

وظیفه نخستین عبارتست از مبارزه بر علیه "سلطه" آمریکا و "آنها" آن در برابر توده‌ها و زیرا که سلطه مذکور کاملاً آشکار و مشهود نیست و این امر نه بر حسب تصادف بلکه عمدتاً و با نیت طبعاً حاکم بوجود آمده است تا از نهضت مبین پرستانه خلق جلوگیری شود.

برائینجهن مبارزه بر علیه اشغالگر نامشروع اسپانیا یعنی امپریالیسم آمریکا، مبارزه‌ای که باید بتدریج تا عالی - ترین سطح ارتقا یابد. جبهه انقلابی ضد فاشیستی و مبین - پرستانه اسپانیا برافرازانده "برجم استقلال ملی است که در او نه و نه" فرمانروا بد آن خیانت ورزید و بسیاری از داور ستاره‌های دیگر (به ویژه رومیونیست‌ها) آنرا بدور افکند و اندر خلق ما هرگز از آن روی بر نتافته است.

وظیفه دوم عبارتست از مبارزه در راه جمهوری توده‌ای و فدراتیوه مبارزه در راه رژیم جمهوری که خلق اسپانیا مدت سه سال اسلحه بندست از آن دفاع کرده، اینک در آرزوی

دوباره آنتست. این مبارزه، اکنون بر علیه مانورهای سلطنتی طلبانه ژوآن کارلوس متمرکز شده است زیرا که این مانورها -

تشیبی است برای جاودان ساختن فاشیسم سلطه آمریکا در اسپانیا. الیکارشی اسپانیا و اربابان آمریکائی بدین وسیله میخواهند سرورد دیکتاتوری را سفید کاری کنند. اگر بر علیه این مانورها مصمانه مبارزه نشود مبارزه بر علیه فرانکیسم بر علیه

آمریکائیان بطور پیگیر صورت نخواهد گرفت، اگرچه در این باره سخن های بسیار گفته شود و تیرین کاریهای بسیار کرد شود.

وظیفه سوم عبارتست از مبارزه در راه وحدت ضد فاشیستی و مبین پرستانه، وحدت واقعی انقلابی همه خلق اسپانیا بر علیه فاشیسم. این وحدت عبارتست از روغ برد از بیهای

خائفانه کارپلو (دبیر حزب کمونیست رومیونیست اسپانیا) است که میخواهد با دشمنان خلق متحد شود تا آنان هم - چنان در مقام دشمنی باقی بمانند و فریبان آنان بچنین وضع تن در دهند. وظیفه سوم برای تحصیل و توسعه این وحدت عبارتست از اعلام جبهه انقلابی ضد فاشیستی و مبین - پرستانه اسپانیا، یعنی طی مرحله تدارک شرایط لازم برای این وحدت.

چنانکه گفتیم. این سه جهت حمله، تشکیل دهنده جبهه واحد نیرو است. زیرا که بدون مبارزه بر ضد آمریکا مبارزه بر علیه دیکتاتوری فرانکو تحقق نمی یابد، زیرا که امپریالیسم آمریکا است که علی الاصول فرانکو را در قدرت نگاه میدارد.

بدون مبارزه بر ضد مانور سلطنت طلبانه ژوآن کارلوس تهر بر علیه دیکتاتوری فاشیستی مبارزه صورت خواهد گرفت و نه بر علیه سلطه آمریکا، زیرا که مانور مذکور راه نجات این هر دو ازین - ست نوبدی آور گوئی است. بدون وحدت توده‌ای، مبارزه مؤثر نه بر علیه دیکتاتوری فرانکو انجام خواهد گرفت و نه بر علیه امپریالیسم آمریکا.

پس این سه جهت حمله، از لحاظ دیالکتیک بهم پیوسته اند.

اکنون بعد از دو سال مبارزه برای ساختمان جبهه انقلابی ضد فاشیستی و مبین پرستانه، ما کمونیست‌ها باید مانند گذشته نخستین کسانی باشیم که بخاطر این سه وظیفه مبارزه میکنیم. واضح ترین مبارزان باشیم. بهترین فن - کاری تن در دهیم. ما کمیته متحدنی که در زیر پرچم جبهه انقلابی ضد فاشیستی و مبین پرستانه بخاطر رهائی اسپانیا از آمریکائیان و از فاشیست‌ها در کنار ما قرار میکنند صدیق و وفادار و برادر و راجع به ما.

خیانتی بزرگتر... بقیه از صفحه ۱ دولت ایران فقط حق دارد که ۲۰ درصد از نفت تولید شده را راساً بفروش برساند ولی ۸۰ درصد آن را نیز راساً به خود شرکت‌های کسریوم بفروشد. چنانکه دیده میشود آزادی دولت ایران آزادی اسیری است که در زنجیر کوتا خود دست و پا راز میکند!

دولت ایران در مورد بهای نفت خام هم سخنگوی کسریوم است. اخیراً شاه در مصاحبه خویش در تلویزیون بیگوسلاری به مخالفت با افزایش بهای نفت خام برخاست و استدلال کرد که این افزایش موجب افزایش بهای کالا عانی میشود که کشورهای در ارتد نفت از کشورهای انحصارات نفتی میخرند و مالا بزبان کشورهای نخستین است.

این استدلال دفاع مستقیم از انحصارهای امپریالیستی است. همه میدانند که ممکن است بهائی که بابت نفت به کشورهای در ارتد، این کالا پرداخت میشود افزایش یابد بدون آنکه کمترین تغییری در بهای فروش نفت در کشورهای مصرف کننده روی دهد زیرا که از هر دو لایه نفتی که در کشور های

آخر بفروش میرسد بیش از ۷۰ الی ۸۰ سنت آن به مالک صاحب نفت متعلق نیست و بقیه به کیسه انحصارهای نفتی و یا دولت های آنها سرانبر میشود. اینک میتوان از این سود سرشار انحصارات امپریالیستی کاست و بر درآمد صاحبان نفت افزود بدون آنکه کمترین تغییری در بهای فروش نفت در کشورهای

امپریالیستی روی دهد و باعث افزایش قیمت کالا های آنها گردن اما محمد رضاشاه نه فقط این حساب روشن کشورهای غارت زده را ندیده میگردد بلکه گستاخانه بدفاع از حساب شعبه بازانه کشورهای غارتگر میرد از

دولت ایران فریاد میکند که دیگر دستکاهای نفت به دست متخصصان ایرانی اداره خواهند شد. ولی طبق قرارداد تعهد کرده است که "عالتاً" کمیته کارشناسان کسریوم بر سر کار باقی خواهند ماند و در بهمان پائنه سابق خواهند گشت.

سلطه نفت ایران تماماً قابل درک نیست اگر آن را در ارتد با مسائل سیاسی خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس در نظر بگیریم. این منطقه بویژه پس از تسکین جنگ در وینتام بصورت مرکز نقل و حرکت های امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی درآمده است. امپریالیسم آمریکا میلیارد دلار برای حفظ سلطه خویش در وینتام و بطور کلی در آسیای جنوب خاوری خرج کرده و میکند و در خلیج فارس نیز برای نگهداری خویش در برابر نهضت های اوجگیر خلق ها و نیز در برابر مهاجمه افسارگسخته سوسیال امپریالیسم شوروی ناچار بمخارج گزاف دیگری است. در اینجا هم آمریکا به

نوجی از "وینتامی کردن" احتیاج دارد و هزینه آن را از محل عواید نفت - فقط بطور غیر مستقیم و بوسیله دولت ایران خواهد پرداخت. آنچه دولت ایران با یک دست میگرد با دست دیگر بعنوان خرید مبالغ عظیم و بیسابقه اسلحه، بعنوان تجهیزات نظامی بنادر و جزائر جنوب، به امپریالیست ها بر میگردد. باز هم بجاست که روزنامه لوموند - این سخنگوی آگاه محافل غارتگر امپریالیستی - را بشهادت بیاوریم که می نویسد:

"سلماً اسلحه فروشی به دول بزرگ امکان میدهد که صنایع بسیار سود آور خود را سرانگهد آرند و توازن پرداخت خود را خود را بهبود بخشند، در عین حال که حصه مهمی از ارزش کشورهای صاحب نفت را باز ستانند... کمپانی ها - کاملاً مانند دولت آمریکا - اطمینان دارند که آنچه به او (شاه ایران) بخشیده اند در واقع در حکم سرمایه گذاری بسیار مناسبی است که میتواند ضایع آنها را بهتر از گذشته تامین کند" (سرمقاله ۲۵ مه)

ماهیت خیانت جدید محمد رضاشاه را در این تصریح می توان دید: تا مین منافع انحصارات نفتی و دول امپریالیستی و در ارتد آنها انحصارهای آمریکائی و دولتها آمریکا بشیوه های بهتر از گذشته.

## نفت در ابوموسی

نشریه "صوت الثورة" نشریه "هفتگی دبیرخانه" "جبهه توده های آزاد بیختر همان و خلیج عربی" شماره ۷/۴/۱۹۷۳ خبر میدهد که در جزیره ابوموسی (یکی از جزایر سه گانه ای که در تاریخ ۳۱/۱۱/۷۱ با توافق امپریالیست ها و امرا عرب بوسیله قشون ایران اشغال شد) ذخیره بزرگ نفت کشف شده است. این خبر را شرکت آمریکائی کسریوم در گزارش خود در لندن منتشر ساخته است. "صوت الثورة" بدستی مینویسد که کشف مذکور تصادفی و بدون سابقه نیست بلکه یکی از مباحثی سازش ها و بندوست هائی است که در موقم خود بین امپریالیست ها و امرا عرب و عربستان سعودی و ایران صورت گرفت.

ژاندری با... بقیه از صفحه ۱ احساس میکند اختیار نیروهای نظامی ایران بدست واشنگتن برای اجرای دستورات آنان اقتاده. این روزنامه در باره کارگزاران گویی را به آنجا رساند که گفت: "شاید یادآوری این حقیقت برای تجدید نظر

سیاسی جناب فولبرایت بمناسبت نباشد که در مسائل خاورمیانه اگر تهران به واشنگتن دستورند هد واشنگتن دستوری بهتران نخواهد داد!" ولی همه این تیرگه جوئی های دروین دولت ایران با مسخره مردم روبرو شد. پرواضح است که آن هزارو

صد مستشار نظامی آمریکائی که هم اکنون در کشور ما بسر میبرند و آن صد هانفر دیگری که بمناسبت تجدید آموزش ارتش ایران در شرف آمدن هستند برای آن در ارتش ایران نشسته اند و خواهند نشست که اختیار نیروهای نظامی واشنگتن را بدست تهران

بسیارند بلکه هدفشان سپردن اختیار ارتش ایران بامریکا است. امپریالیسم آمریکا ۱۹ میلیون دلار در راه کودتای ۲۸ مرداد و بازگرداندن شاه فراری خرج نکرده و توطئه های سالیهای اخیر در خلیج فارس و اشغال جزائر سه گانه را بدست محمد رضاشاه تدارک ندیده و رئیس اداره جاسوسی خود را با ایران نفرستاده است تا از محمد رضاشاه در کار خلیج فارس دستور خواهد بلکه تا دستورهای خویش را بوسیله او اجرا کند.

جان ارتش محمد رضاشاه در دست امپریالیست ها و بویژه امپریالیست های آمریکا است که میلیارد ها دلار با واسطه فروخته و میفروشند و مزاران رشته مرئی و نامرئی در تار و پود این ارتش یافته اند. یکی از هدفهای کفرانگیز دیپلمات های آمریکائی در خاورمیانه و جنوب شرقی آسیا که در اول اردیبهشت ماه در تهران بعد از اکراد محرمانه پرداختند تسجیل نقش شاه به شاه "ژاندرم خاورمیانه بود، ژاندری که تفنگش آمریکائی است، سرد و شیش را از آمریکا میگیرد و نقشه عطیاتش در جیب آقای

هلمز سفیر امریکا است. همان روز ۲۳ فروردین که نخست وزیر شاه در لندن از مساعدت ایران به سلطان عمان لاف میزد لر کارستون وزیر دفاع انگلستان به بازدید واحد های ارتش انگلیس و ایران در عمان اشتغال داشت و این امر نشانه آن بود که قرارگاه فرماندهی واحد های ارتش ایران در ماوراء بحار است.

شاه در مصاحبه اخیر خود با مخابر مجله نیوزویک گفته است که مسئولیت "نگهبانی و حمایت" از خلیج فارس را بر عهده دارد که شامل ۶۰ درصد از ذخائر جهانی نفت است، و تصمیم بانخاذ این مسئولیت را در سال های ۱۹۵۹ - ۱۹۶۰ گرفته زیرا که از همان وقت باین نتیجه رسیده است که آمریکا برای همیشه خواهد توانست نقش ژاندرم بین المللی "رایفا" کند.

شاه در اینجا روشن میسازد که وظیفه او نگهبانی ۶۰ درصد از ذخائر جهانی نفت است که باید تا آخرین قطره بکام انحصار های امپریالیستی ریخته شود. هر کس رویا هر خلق و یا هر کشور که به مخالفت با این غارتگری برخیزد سر و کارش با محمد رضاشاه خواهد بود

سناتور فولبرایت هم جزاین نگفته است. پیش از گفته او نیز همه میدانستند که امپریالیسم آمریکا سه گام داشته: هار و منج و گوش بفرمان در خاورمیانه دارد: اسرائیل در ترعه سوئس، عربستان سعودی در دریای سرخ و محمد رضاشاه در خلیج فارس

اما خلق های خاورمیانه هم دو کانون فرزان جنگ توده های در این منطقه دارند: یکی بخاطر آزادی فلسطین و دیگر بخاطر رهائی ظفار و عمان و خلیج فارس. سراسر خاورمیانه برای سوزاندن زباله های ارتجاعی و استعماری آماده اشتعال است. در ایران زمین زیر پای ژاندرم خلیج میلرز. ایفا نقش ژاندرم خلیج ایجاد میکند که محمد رضاشاه با عظیمی از بابت مخارج تسلیحات و نگهداری ارتش نو استعماری بر کرده خلق ایران بگدازد و باعث تشدید ناخشنودی و خشم همگانی گردد. مد اخلات نظامی و غیر - نظامی محمد رضاشاه در کشورهای عربی موجب میشود که خلق های ایران و عرب بیش از پیش به لزوم همبستگی خویشی بپردازند و در

جبهه واحد پیگیر بر علیه دشمنان مشترک متحد شوند. تصدیق نقش ژاندرم خلیج از طرف محمد رضاشاه اگرچه بر مشکلات مبارزه خلق ایران می افزاید اما نه پهناتری به معنا و اهمیت انقلاب ایران می بخشد و انگیزه نیرومند تری برای خلق ایران در عرصه فداکاری و جانبازی و احراز بیروزی بوجود می آورد.

## مزد، بها، سود

اثر اعیانه کارل مارکس با ترجمه توفان منتشر شد. آن را از دفتر توفان بخواهید. بها: معادل ۳۰ ریال

طبقه کارگرو... بقیه از صفحه ۴  
سوسیالیسم علمی سخت بد و راست. تئوری های مد کور شامل بسیاری از عناصر مبهم بنا روشن والتقاطی است، مخلوطی است از اصول سوسیالیسم با اصول سرمایه داری، از اصول ایدئولوژی سوسیالیستی با اصول ایدئولوژی بورژوازی و مد هیس. این تئوری های "سوسیالیستی" از یک سو گواهی محبوبیت سوسیالیسم، گواهی قوه حاد به افکار سوسیالیستی به نظر تلاش برای یافتن راه خلاص از فقر و عقب ماندگی است، و از سوی دیگر نشان دهنده تشبیهات بورژوازی و سایر نیروهای ارتجاعی برای فریب نو ده ها، برای منحرف ساختن آنها از مبارزه در راه واقعی سوسیالیسم است.

رفیق انور خوجه در نکته "ششم حزب کارآلبانی در این مورد خاطرنشان ساخت که "مارکسیست ها - لنینیست ها هرگز گرایش و هرگز کش صمیمانه بسوی سوسیالیسم را نهیت می بینند و نه تیبانی میکنند ولی در عین حال یاد آور میشوند که سوسیالیسم در هر کس فقط بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و بر مبنای طبقه کارگر و حزب او، حزب مجریه جهان بینی پر تری، پیروز شده است و جز این نمی تواند باشد."

### عصیان در ارتش شاهنشاهی

محمد رضا شاه بخر و اهرها سلاح های رنگارنگی که بقیست بر باد دادن کشور خریداری میکند مغرور است. ولی یوچی و ناتوا ارتش ضد ملی او را از تلاطماتی که در درون آن میگردد میتوان قیاس کرد. محمد رضا شاه تا کون مقررات و آیین نامه های درمکراتیک بسیار برای مهابرت کردن عناصر ارتش و سرکش ارتش وضع کرده و اختیارات فوق العاده به فرماندهان در تنبیه و مجازات زیر دستان داده است. دادگاه های نظامی اوتیز در صدور احکام حایرانه کوتاهی ندارند. معذک تعداد سربازان و افسران که از محیط خفقان آور و مردمی کش ارتش جان می آیند و راه صبا در پیش میگیرند روز بروز افزایش میابد. از صاع موق خیرسی - دهنده که ماه گذشته یک سرهنگ، یک سروان و یک ستوان به همراه چند درجه دار بانها فعالیت های سیاسی اعدام شده اند.

اعلانات دادگاههای ارتش و احضار عصیان، در روزنامه ها فراوان چشم میخورد و اگر همه آنها در طول مدت یک سبب بصورت کتابی درخواه آمد. ما در اینجا چند نمونه از اعلانات کور را از روزنامه اطلاعات نقل میکنیم تا خوانندگان گرامی به بیند که ارتش شاهنشاهی چگونه پوسیده است:

#### آگهی احضار

به نواباندم رحیم زبان، شمل افسر نیروی دریایی شاهنشاهی که محل اقامت وی در پروده تهران، خیابان نادری کوچه شپرونی منزل کبری شماره ۳۹ تعیین و فلا مجبورالمان میباشد احضار میشود که باقیام فرار از خدمت در این بهزیرسی تحت پیگرد میباشد. متقاضی است طرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی خود را باین بهزیرسی واقع در خیابان فرح جنوبی خیابان منصور معرفی نماید. در غیر اینصورت طبق ماده ۱۴ قانون نادرسر کفر ارتش قیابا پیرونده رسیدگی و اقدامات قانونی معمول خواهد گردید. مالک ۱۳۵۷

بازرسی نیروی دریایی شاهنشاهی

#### آگهی رای غیابی

بسیار عالی است که در این روزگار...  
بسیار عالی است که در این روزگار...  
بسیار عالی است که در این روزگار...

#### آگهی احضار

بسیار عالی است که در این روزگار...  
بسیار عالی است که در این روزگار...  
بسیار عالی است که در این روزگار...

#### آگهی رای غیابی

بسیار عالی است که در این روزگار...  
بسیار عالی است که در این روزگار...  
بسیار عالی است که در این روزگار...

## هذیان

آنچه در یلیام خوانید غلط جایی نیست، هذیان سرریص حصه ای نیست. بلکه سخنان مردی است بنام "شاهنشاه آریا - مهر" که هر وقت بد و نپیش نویس نطق میکند از این گونه پرت و پلاها - ملوک الکلام ها - میکوید و آشفتگی تفکر خود را نشان میدهد " ما دریم ملوکمان را از لحاظ فنی، صنعتی و کشاورزی به تکنولوژی مدرن مجهز میکنیم... بهمین تناسب باید توجه بکنیم به فراهم کردن و عرضه کردن غذای روحی برای توازنی که در بین کارجمی و کار باصطلاح ماتریالیستی یا خوراک روحی ولد ایسد روحی لازم است. خوشبختانه در این صحبت، گذشته ایران غنی است. یعنی متاسفانه اگر گذشته ای داشته باشیم فقط در همین قسمت روحی و ادبی و فرهنگی است برای اینکه ما گذشته فنی و تکنولوژی ند داشتیم. اگر درست در نظر گرفته باشیم از بد وید تاریخ بشری تاریخ جغرافیای دنیا تا همین اواخر یکی روی ند داشتن یکی شاید برای اینکه اصولا باین موضوع در هیچ جای دیگر اهمیت ندی ند داشتند در گذشته بعثت ضعف حکومت مرکزی و لائل دیگر هیچ وقت در مملکت ایران فدی برای حفظ طبیعت برداشته ند شده است. هیچ وقت یک درخت اضافی کاشته ند شده بود."

کیهان ۱ اردیبهشت ۱۳۵۲

کنک از آسمان افتاد و نشکست

و گرنه شه کجا و عقل سالم!

## زبان استعمارگران

یکی از نشانه های نیمه مستعمره بودن ایران رواج روز - افزون زبان های مالک استعمارگرو بیوزن زبان انگلیسی در یک سلسله از ادوات و شرکت ها و بنگاه ها است. در واقع امروز روشنفکر ایرانی که زبان انگلیسی نداند فقط باین گناه، باید با دشواری های بسیار برای یافتن شغل مناسب رویو گردد. البته کشوری که مالک اروپا و آمریکا در ارتباط اقتصادی و فرهنگی است که اسناد لازم را ترجمه کند و در دسترس متصدیان امور بیگانه ولسی در کشور ما امروزه دانستن زبان خارجی و بیوسره انگلیسی شرط استخدام هر کارمند فنی متخصص است زیرا که اصولا زبان رسمی یک سلسله از ادوات، شرکت ها و بنگاه ها در واقع بجای زبان فارسی، انگلیسی است.

برای نمونه بصفحه "فرصتهای استخدامی" روزنامه کیهان مراجعه میکنیم. مثلا به شماره ۸ اردیبهشت، در آنجا شرکت سهامی جیب ایران یک مهندس برق میخواهد ولی شرط اش اینست که "سلط بزبان انگلیسی" باشد، یک "شرکت صنعتی در حال توسعه" به مدیرانشین آلات صنعتی احتیاج دارد ولی شرط استخدام او دانستن زبان انگلیسی معین کرده است، گروه صنعتی مینوبه مهندس شیعی و مکانیک نیازمند است ولی شرط بانگلفزبان انگلیسی بداند، یک شرکت تحقیقاتی در جستجوی حسابد ارورزید هاست ولی بان شرط که بزبان انگلیسی آشناسی کامل داشته باشد، بانک اعتبارات ایران لیسانسیمیه حسابدار - بازرگانی و اقتصاد میخواهد ولی با شرط تسلط کامل بزبان فرانسه یا انگلیسی، یک شرکت صنعتی فلزی جویای یک مهندس شیعی است ولی آشنابزبان انگلیسی یا فرانسه. همین شرط را در اعلانات استخدامی شرکت جنرال تولز، شرکت سیمان تهرانی یک آژانس تبلیغاتی، شرکت زیگما و غیره نیز می بینید.

البته دانستن زبان خارجی وسیله تسهیل دانش پژوهی است ولی جز در موارد خاص نمیتواند شرط استخدام باشد. در واقع شرط آشناسی با زبان خارجی و بویژه انگلیسی در ادارات و کتبر ها و بنگاه های ایران با خاطر استفاد، بیشتر از ضایع علمی نیست بلکه نتیجه سلطه مستشاران و شرکا و روسای آمریکائی و انگلیسی و غیره است. برای خوش آمد آنها همه باید انگلیسی صحبت کنند، برای بندوبست آنها همه باید انگلیسی بدانند، بهراری گزارش بانها همه باید انگلیسی بنویسند! امتیلا، زبان انگلیسی در ادارات و شرکت ها و بنگاه های ایران انعکاسی از استبدادی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آمریکادار ایران است.

بر علیه... بقیه از صفحه ۴  
کلیه ملت های دولت واحد، وحدت کامل سازمان های توده ای آنها میتواند تحقق یابد. هرگونه نفاق افکنی در این اتحاد بریان یکایک ملت هاست. لنینیست در مقاله "انقلاب سوسیالیستی و حق ملت ها در تعیین سرنوشت خود" اصولی را خاطر نشان ساخته که یکی از آنها چنین است:

" ضرورت تابع ساختن این مطالبه ( یعنی مطالبه حق ملت ها در تعیین سرنوشت خود - توفان ) و همچنین کلیه مطالبات اساسی

د موکراسی سیاسی به مبارزه انقلابی بد فصل برای سرنگون ساختن دولت های بورژوازی و برای تحقق سوسیالیسم " ( جلد ۲۲ ) . لنین

در همانجای آموزد: " سوسیالیست های ملل ستمکش بویژه باید وحدت کامل و بد و ن قید و شرط کارگران ملت ستمکش را با کارگران

ملت ستمگر، منجمله وحدت سازمانی آنها را پشتیبانی کنند و بموقع عمل در آورند. لنین در " دوستان مردم " کیانند " میگوید:

" برای مبارزه بر ضد کینه ملی هیچ وسیله دیگری جز متشکل کردن و بهمپیوستن طبقه ستمکشان برای مبارزه با طبقه ستمکران در هر

کشور جداگانه و بجز جمع کردن چنین تشکیلات ملی کارگری در یک ارتش بین المللی کارگران برای مبارزه بر ضد سرمایه بین المللی موجود

نیست " ( منتخبات فارسی جلد ۱ قسمت ۱ ص ۱۴۲ - ۱۴۳ ) . شعبه اعمال روزیونیست های شوروی ساری در عراق

د افند نفاق افکنی را سخت توسعه داده و حتی مدعی شده است که گفتد راسیون محصلین و دانشجویان ایرانی باید به سازمان ها

ملی ( یعنی آذربایجانی، فارس، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب و غیره ) تقسیم شود. بعقیده آنها ایجاد سازمان های ملی در میان

ایرانیان مقیم کشورهای اروپای غربی، بویژه آلمان غربی، اطریش و فرانسه، بیشتر شرابخور و منطقی است. " ایجاد چنین سازمان های ملی در بین محصلین ایرانی نیز امر ضروری است " .

هر کس که کمترین آشناسی بطرز کارگردد راسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در بزودی در رس باید که این کوشش چیز دیگر

جز تلاش در راه تلاش گفتد راسیون نیست. روزیونیست ها تا کون بانواع وسائل برای تخریب گفتد راسیون متوسل شده اند. از آنجمله

مقارن حملات کین توزانه رژیم برگرفتد راسیون با ایجاد سازمان های جداگانه ای بمنظور برانگیزد ساختن نیروها دست زدند. و اینست

از سوراخ دیگری سریدر آوردند. مایقین دریم که دانشجویان آگاه در افشا این توطئه جدید که بد و ن ترید از جانب سازمان

امنیت تقویت خواهد شد خواهند کوشید.

مسئله ملی در نزد مارکسیست ها - لنینیست های ایران کاملا روشن است. ماتلیفات رژیم راکه مبنی بر نفی وجود ملت های

گونگون در سرزمین ایران است فاش میسازیم، ما با هرگونه ستم ملی مبارزه میکنیم. ما خواستار اجرای نام و تمام اصل لنینی حق ملت ها

در تعیین سرنوشت خویش هستیم. ولی ما این مبارزه و این مطالبه را تابع پیکار عمومی خلق های ایران بر علیه استبداد و ارتجاع می -

شماریم و معتقدیم که اگر باین پیکار عمومی تقدم داده نشود مبارزه ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی به پیروزی نخواهد انجامید و حقوق

ملت های ایران در تعیین سرنوشت خویش نیز تحقق یابد بر نخواهد بود. ما با تمام قوا در راه حفظ وحدت و یکپارچگی سازمان سیاسی

طبقه کارگر سراسری ایران و کلیه سازمان های توده ای سراسری ایران پیکار میکنیم.

## از نامه ای

"... فریاد دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج از دست خود سری های یکی از مسئولان اداری دانشکده، بنام دکتر افقی، که مامور سازمان امنیت است و میگویند مقامی مهم تراز سرهنگ خدیوی مسئول سازمان امنیت کرج دارد بلند است شما میتوانید با افشا این شخص بد دانشجویان یاری رسانید..."

بهای هر شماره توفان معادل ۱۰۰ ریال. آبونمان سالانه معادل ۱۰۰۰ ریال. فهرست نشریات توفان را از دفتر توفان بخواهید.

عنوان مکاتبات: X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی: X GIOVANNA GRONDA  
CONTO 17549/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO/ITALY

# پیروز باد جنگ توده های خلق فلسطین

## آدم هاد برابر آدمکها

سطوری که زیلا از نظر خوانندگان گرامی میگذرد استخراج از سندی است نظیر "یادداشت های زندان اوین" که از طرف سازمان مابچاپ رسید و بخشی از آن در ماهنامه "توفان" نیز منتشر گردید. این اسناد گواه تسلیم ناپذیری خلق ماست که فرزندان شایسته اش حتی در زندان ها محمد رضا شاهي نیز درفش بیگارا سر بلند نگه داشته اند. درود پر شور بر زندانیان سیاسی.

... آشنائی و برخورد در محیط سیاسی زندان های ایران و خصوص بحث وجدل درباره پذیرش یا عدم پذیرش این یا آن خط مشی سیاسی، ضعف و کم تجربگی یک گروه و مقایسه آن با گروه های دیگر، همگی چهره واقعی زندان های امروزی را تشکیل میدهند. تبادل افکار در این محیط بسیار زیاد است، بحث وجدل ایدئولوژیک بطور وسیع چشم میخورد. اما در برابر بیس همگی یک موضع دارند که کاملاً صحیح و مطولاز تفروکینه نسبت باین دستگاه می باشد. محیط زندان های سیاسی ایران بمعنای واقعی برفقای جدید و تازه وارد تجربه جهت بینی سیاسی می بخشد...

من شاهد روزها و شب هایی هستم که هم زنجیران ما با نهایت سرافرازی و ذوق کتان بدون کوچک ترین لرزشی راه مرگ را در پیش گرفتند، وعد و وعید های سازمان امنیت نتوانست کوچک ترین خدش های در عقاید آنها وارد آورد. پیام آنها برای ملتایرا همانا ادامه مبارزه بر علیه امپریالیسم و سگ های زنجیرش بود. از شکنجه های سازمان امنیت همه باخبراند... این شکنجه ها از شلاق شروع میشود. بخواهی مداوم یکی از بدترین شکنجه ها است. چند شب و چند روز بخواهی کشیدن و سربسی ایستادن انسان را از پای در میآورد. آنقدر شلاق میزنند که تمام بدن انسان باد میکند و توالت رفتن بلائی بدون درمان جلوه میکند. اینهارا همه شنیده اند. اما این راهم همه باید بدانند که ایمان و اراده مافوق اینهاست. اگر انسان هدف مبارزه را درک کرده باشد پس از دستگیری خودش را نمی بازد، اعتراف نمیکند، از شکنجه نصیرتند، از مادر و پدر وزن و فرزند میگردد و آن وقت خودش را بر مراتب نیرومند تر از آدمک های شلاق بدست حس میکند...

## باز هم شکار انسانها

در این اواخر سازمان جنایتکار امنیت به دستگیریهای پراکنده ای در استان فارس مبادرت جسته است. از ۲۶ نفری که اسامی آنها در نزد ماست ۱۲ نفر در اوز (فارس)، ۵ نفر در بندرعباس، ۹ نفر در تهران، ۲ نفر در شیراز، ۲ نفر در لار، ۱ نفر در اهواز دستگیر شده اند. از این عده ۵ نفر دانشجو، ۳ نفر دبیر، ۳ نفر آموزگار، ۳ نفر مهندس، ۲ نفر دبیر، ۱ نفر کارگر، ۱ نفر پیشه ور، ۱ نفر کشاورز، ۱ نفر زن خانه دار، ۱ نفر بنا، ۱ نفر خدمتگزار مدرسه، ۱ نفر سپاهی دانش، ۱ نفر کارمند بهداشتی، ۱ نفر کارمند بانک صادرات، ۱ نفر کارمند شرکت هواپیمائی هستند. بخوسی دیده میشود که دستگیرشدگان متعلق به همه قشرهای دموکراتیک خلق ایران اند و ترکیب آنها نشانه عمومیت یافتن مبارزه بر ضد رژیم محمد رضا شاهي است. ما فریاد اعتراض خود را بر علیه این تبهکاری جدید سازمان امنیت بلند میکنیم.

دست خفه کننده سازمان امنیت از گوی فرزندان ایران کوتاه!

## درباره یک مقاله

یکی از خوانندگان عزیز مقاله ای با عنوان "ارتقاء درجه در ارتش شاهنشاهی" فرستاده است ولی مقاله بجای آنکه تعمیری باشد فقط مربوط به یک فرد معین است که در خسور اینهمه توجه نیست. چه خوب خواهد بود اگر آن دستگیر شده بتحلیل چند جانبه ای از اوضاع ارتش ایران دست بزند تا برای خوانندگان توفان مفید تر باشد. ماموقفیت وی را خواستاریم.

## بر علیه تفرقه اندازان

در مورد ایران نیز همین شیوه را برای تفرقه خلق ها و جلوگیری از رشد و نیرومندی نهضت ملی ضد استعماری بکار میبرند تا در موقع مناسب برای تجزیه ایران نیز مورد استفاده قرار گیرد. مسلمانان ایجاد و ادامه نشستی که امروز نیروهای دموکراتیک ضد امپریالیستی ایران را فرا گرفته است روی بنیست های شوروی سبب بزرگی دارند. صرف نظر از خیانت عظیم روی بنیست ها که بزرگترین عامل پراکنگی در بیست سال اخیر است سر رشته بسیاری از جریانات انحرافی رنگارنگ در دست روی بنیست های شوروی و ایرانی است.

چندی است که شعبه عمال روی بنیست های شوروی - ایرانی در عراق بتبلیغ این فکر ضد مارکسیستی ضد خلقی و نواستقلال میبرد از آنکه چون ایران کشور چند ملی است باید تقسیمات ملی را چه در زمینه حزب طبقه کارگر چه در زمینه سازمان های توده ای و چه در زمینه جنبه عمومی دموکراتیک ضد امپریالیستی اساس سازماندهی قرار داد. مثلاً بنظر آنها تشکیل اتحادیه کارگران آنر باجانی، اتحادیه کارگران فارسی زبان، اتحادیه کارگران بلوچ، اتحادیه کارگران ترکمن، اتحادیه کارگران عرب اتحادیه کارگران کرد و غیره بهترین شکل تشکیلات است.

لازم توضیح نیست که این یکی از بهترین شگله های تشکیلات نیروها تعقیب شکاف ملی بین کارگران، حفظ عقب ماندگی های ملی، جلوگیری از ایجاد بیشترین وحدت در وسیعترین مقیاس است، و مسلماً بسود ارتجاع و امپریالیسم است.

مارکسیسم - لنینیسم که حق طاعت هارا در تعین سرنوشت خود یکی از مطالبات دموکراتیک اعلام میدارد در همه حال تاکید میکند که نیل بمطالبات مذکور بدین سرنوشتی رژیم های ارتجاعی و قرون وسطائی و بدین استقرار حکومتی و اتحاد دموکراتیک امکان پذیر نیست و این امر فقط با اتحاد کامل طبقه کارگر بقیه رصفحه ۳

تفرقه افکنی در میان خلق ها و نیروهای دموکراتیک شیوه دیرینه امپریالیسم است. سوسیال امپریالیست های شوروی این شیوه را تکمیل کرده و حتی رنگ مارکسیسم در روغن هم بدان زدند از این جهت تشبیهات نواستعماری سوسیال امپریالیست های شوروی در این مورد بر مراتب گمراه کننده تر و خطرناک تر از سوسیال امپریالیست ها است. از قدیم گفته اند: "چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا".

یکی از راههای تفرقه افکنی سوسیال امپریالیست های شوروی توسل مزورانه باصل بزرگ لنینی "حق طاعت هاد رعین سرنوشت خویش" است. این اصل که بمعنای اعلام آزادی کلیه ملتهای اسیر، از هم پاشاندن سیستم مستعمراتی، وحدت کلیه طبقات و خلق های زحمتکش بر علیه امپریالیسم و ارتجاع آورده شده در دست سوسیال امپریالیست های شوروی بعنوان وسیله ای برای برانگیختن عداوت های ملی بمنظور تقسیم کشورهای تاملین سلطه استعمار نوین مورد استفاده قرار میگیرد. نمونه روشن این بهره برداری خد ارانه در پاکستان شرقی بظهور رسید: سوسیال امپریالیست های شوروی که از سیاست خارجی پاکستان در مورد حفظ روابط دوستی با جمهوری توده های چین ناخشنود بودند جنبه ضد دموکراتیک حکومت پاکستان، فقر و بیوائی طغیان انگیز و عموم خلق پاکستان وستم ملی را که برخلاف بنگال شرقی رواداشته میشد بهانه ساخته دولت تجاوزکار هند را بعد اخله مسلحانه در امور پاکستان برانگیختند و با تجزیه پاکستان دولت دست نشانده بنگال دزد را بوجود آوردند که افزای سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم آمریکا و مرکز تحریر بر ضد جمهوری توده های چین است. اما تزارهای نوین کرپلین باز هم آسوده نشسته اند و میخواهند بنام "آزادی خلق بلوچ عضو یگری از پاکستان را در مغرب از وی جدا سازند.

## طبقه کارگر و رسالت تاریخی او

"آلبانی امروز"، مجله سیاسی حزب کارآلبانی مقاله مشروحی تحت عنوان "طبقه کارگر و رسالت تاریخی جهانی او" بقلم رفیق "فوتوجامی" عضو کمیته مرکزی حزب کارآلبانی انتشار داده است که چون همه آن را ماسافان نمیتوان در توفان آورد اینک بخشی از آنرا از نظر خوانندگان گرامی میگذراند.

رهبری مبارزه بخاطر ساختمان سوسیالیسم و کار طبقه کارگر هر کشور است.

رویز بنیست ها در تاید نظریه خویش منو بر اینکه گذار به سوسیالیسم بدون رهبری طبقه کارگر و حزب مارکسیستی لنینیستی او میسر است یک سلسله از کشورهای کمزور را شاهد می آورند که از سلطه استعماری امپریالیسم رهائی یافته و گویا از راهی که رویز بنیست ها راه رشد غیر سرمایه داری مینامند بسوی سوسیالیسم روان گشتند میگردند.

مبلغان رویز بنیست های خروشنجفی شوروی مینویسند که سیر در این راه ممکن است با رهبری هر طبقه دموکراتیکسی آغاز گردد: با رهبری طبقه کارگر و دهقانان، خرد بهره رزوازی - شهری، و در برخی از کشورها حتی ممکن است نیروی رهبر از روشنفکران و منجمله افسران انقلابی باشد. آنان مدعی اند که سرکردگی حزب مارکسیستی - لنینیستی در مبارزه بخاطر سوسیالیسم، بمثابة قانون عام، مربوط است به رشد جامعه بشری بطور کلی و نه رشد هر کشور خاص. بعقیده آنان در یک سلسله از کشورها که فاقد احزاب مارکسیستی اند این نقش پیش آهنگ ممکن است بوسیله اتحادیه های طبقه پرولتاریا - سند یگاها - و یا حتی بوسیله سایر احزاب و یا سازمانهای دموکراتیک ایفا گردد.

از آنجا که رویز بنیست های خروشنجفی میدانند که این برهان بهیچ وجه قانع کننده نیست و در عمل تاید نشده است میکوشند دلائل دیگری نیز بیاورند. آنها اظهار میدارند که در جایی که کمزوری پرولتاریا با امکان ایفا نقش سرکرده در نهضت انقلابی تمید دهد این نقش پیش آهنگ ممکن است بنحوی از آنها بوسیله پرولتاریای ظفرمند کشورهای سوسیالیستی ایفا شود.

ولی کشورهای سوسیالیستی چگونه نقش سرکردگی پرولتاریا را در کشورهای کمزور ایفا میکنند و چگونه آنها را بسوی سوسیالیسم میکشانند؟ همه بخوبی میدانیم که برای این کار راه دیگری جز راهی که بر پایه عامل داخلی ساخته شود موجود نیست، و در این کشورها طبقات گوناگون استثمارگر و

بطور عمد بهره رزوازی ملی و مالکان بزرگ ارضی در قدرت اند. به عقیده رویز بنیست ها سوسیالیسم ظفرمند آنچنان نیروی سحر آمیزی دارد که میتواند بهره رزواها و قوودال هارا نه فقط بقبول راه سوسیالیستی بلکه به رهبری سیر کشور را بر این راه قانع گرداند (۱) البته سوسیالیسم ظفرمند با سرمشتی که در برابر خلق های دیگر مینهد و با معاضدت که نسبت بآنها روا میدهد در تشر فراوان و همه جانبه ای کار آنها میگذارد ولی این اصغر بهیچ وجه نمیتواند جانشین رهبری مستقیم انقلاب گردد که وظیفه طبقه کارگر هر کشور و حزب مارکسیستی - لنینیستی او است. رویز بنیست های شوروی این دو مفهوم را عمد ابهام مشتبه میسازند تا سیاست خویش را که مبنی بر خیانت به ملتها و خلق های ستمدیده نواستقلال است بر آنها تحمیل کنند، آن ها را بانقیاد خویش درآورند و مورد بهره کشی قرار دهند، نقشه های الحاق طلبانه و امپریالیستی خود را که بخاطر آنها به پامال کردن و خاموش ساختن انقلاب در این کشورها مبادرت میجویند بوقم اجرا بگذارند.

همانطور که تجربه کشور ما بخوبی ثابت کرده است، کمزوری پرولتاریا در این گونه کشورها نمیتواند دلیل نفی سرکردگی او باشد. زیرا که طبقه کارگر نقش خود را نه مستقیماً بلکه بوسیله حزب خویش ایفا میکند و این حزب میتواند حتی در جایی که طبقه کارگر از حیث تعدد او کوچک و از حیث پرورش سیاسی و سازمانی ناقص است تشکیل شود. البته ترکیب طبقاتی پرولتاریا در خصلت انقلابی حزب دارای اهمیت بسیار است. ولی همه مطلب در اینجا نیست، لنین میآورد که: "... برای وقوف بر اینکه حزبی واقعا حزب سیاسی کارگری است یا نه، نه فقط باید معین کرد که آیا ترکیب آن از کارگران است بلکه باید معین کرد که کی آن را رهبری میکند و جوهر عطیات و تانکتیک سیاسی اوکدام است. فقط با روشن ساختن نکته اخیر میتوان معین کرد که آیا سرکار ما واقعا با حزب سیاسی پرولتاریا است یا نه" (لنین، کلیات، چاپ آلبانی، جلد ۳۱ صفحه ۲۸۵). در بسیاری از کشورهای که از سلطه استعماری امپریالیسم رهائی یافته اند خیلی از سوسیالیسم سخن میروند. ولی تئوریهای سوسیالیستی این کشورها از تئوری واقعی بقیه رصفحه ۳

## پیروز باد جنگ عادلانه خلق لائوس و کامبوج